

اصول، مفقود، ادعای موجود

هشدار به آخرین ولیعهد

>مطلبی که همه درباره اش میگویند نمیتواند یکسره
بی اساس باشد ولی میتواند کاملاً غیراصولی باشد<

بخش بیست و دوم

بهانه مصاحبه دالاس

امیر فیض- حقوقدان

در بخش نوزدهم تحریر (اصول مفقود) در عنوان داخلی <نکاتی از مصاحبه>^۱ گفته شد:

>میدان نقد این تحریر محدود به مواردی از کل مصاحبه بوده بعلاوه مصاحبه در دالاس با اعلیحضرت که خیلی سبب میدان داری و ادای الفاظ نامربوط امید دانا به اعلیحضرت شده است< اکنون این تحریر به موضوع مزبور یعنی بیانات اعلیحضرت در مصاحبه دالاس و برداشت های بهانه جویانه امید دانا تخصیص خواهد داشت.

آشنایی با بیانات اعلیحضرت

>ما در منطقه، هیچوقت جنگ مذهبی نداشته ایم. مطمئناً شما شنیده اید که ایرانیان از اعراب خوششان نمیاید از زمان حمله ای که چند سده قبل رخ داده* و یک جور غیرت ناسیونالیستی* وجود دارد من به عنوان یک شهروند ایرانی فکر میکنم همه حس های میهن پرستی و ناسیونالیستی را فراموش کنیم ما وقت نداریم که نطق های ناسیونالیستی کنیم. (اعلیحضرت در مصاحبه دالاس)

امید دانا، از این مصاحبه دونوع بهره برداری کرده است نخست مسخره و استهزای اعلیحضرت. در آنجا که اعلیحضرت گفته اند <*ایرانیان از اعراب به دلیل حمله چند سده قبل خوششان نمیاید> امید دانا در قرائت این جمله با علامت دست و صورت صحنه ای را به بینندگان ارائه داده تا به بینندگان القا شود که اعلیحضرت و مردم ایران حمله اعراب به ایران در سده های گذشته را فراموش و ابراز شادمانی هم دارند.

◀ عبارت <یک جور غیرت ناسیونالیستی وجود دارد> در بیان اعلیحضرت، توجیه کننده احساسات ملی و تداوم آن از حمله اعراب به ایرانیان است.

◀ در عبارت اعلیحضرت که مورد استناد و استهزای امید دانا قرار گرفته، کدام قلب موضوع وجود دارد که امید دانا آنرا وسیله سیرک بازی خودش قرار داده و بعد هم با آب و تاب فراوان نتیجه بگیرد که نوه رضاشاه کبیر ضد احساسات ناسیونالیستی و ملی است؟

◀ دربیانات اعلیحضرت آمده است <من بعنوان یک شهروند ایرانی فکرمیکنم که همه حس های میهن پرستی و ناسیونالیستی را فراموش کنیم>.^۲

مبتدای بیانات اعلیحضرت که متعلق به حمله اعراب در سده های گذشته بوده نشان از این میدهد که خبر فراموش کردن حس های میهن پرستی و ناسیونالیستی در بیان اعلیحضرت، عام نیست و مربوط به همان حمله اعراب به ایران است که در ۱۴۰۰ سال قبل روی داده است، نه اینکه تصور شود که فکرایشان به عنوان یک شهروند ایرانی قلب کلی احساسات میهن پرستی و ناسیونالیستی مردم ایران است.

چرا در این حد بی انصافی و خودخواهی و نمک ناسپاسی وجود دارد که مانع از توجه به بیانات سابقه اعلیحضرت و آمادگی ایشان برای دفاع از آب و خاک ایران و مطالب عدیده شده است.

◀ اقتضای عقل و برداشت های فلاسفه این است که بدون توجه به مقدمه و یا مبتدای سخن و مورد سخن، نمیتوان به نتیجه و ذوالمقدمه درست و کامل رسید، عمل و برداشت امید دانا مانند همان است که وقتی کسی گفت لا الهه، مردم مجالش ندادند که بقیه را بگوید و گفتند منکر خدا شده و مثله اش کردند.

بیان منتسب به اعلیحضرت با عنوان و ماهیت فکری بیان شده که فکر مزبور نه ثبات و انطباق باتص را متضمن است و نه ایجاد تکلیف برای متفکرو یا اشخاص ثالث مینماید و نیز اظهارات عنوان شده، بعنوان یک شهروند ایرانی است که هیچ مسئولیت و تکلیفی در زنده نگاه داشتن تاریخ تحت عنوان حمله اعراب به ایران و جنگ قادسیه را ندارد.

فکر، حتی در صورتی که بوسیله قلم و یا شفاها بصورت نظریه مورد دفاع شخص قرارگیرد، و به حد رسوب هم برسد از مراتب آزادی فکرو بیان است و وقتی فکراز جانب شخص غیرمسئولی ارائه میگردد یک نسیم زود گذرتلقی میشود که عوام از آن بعنوان باد هوا یاد میکنند و یکی از بزرگان گفته، چنان است که:

مرغی که بکوهی نشست و برخاست نه چیزی گذاشت و نه برداشت

نطق ناسیونالیستی

یکی از مواردی که امید دانا را در تهاجم و تضییع اعتبار اعلیحضرت خیلی غره ساخت و حتی در حد <توجه اتهام ضد ناسیونالیستی و ضد ملی> آنرا کش داد، آنجاست که اعلیحضرت به عنوان یک شهروند عادی فرموده اند <ماوقت نداریم که نطق های ناسیونالیستی بکنیم>.

امید دانا همین عبارت را پیراهن عثمان کرده که ای مردم دیدید که شاهزاده، وقت نطق های ناسیونالیستی ندارد دیدید که نوه رضاشاه بزرگ نماد ناسیونالیستی چه گفت؛ پس ضد ناسیونالیست و ضد ملی است.

^۲ - برداشت سیاسی این جمله رندانه آن است که تعصب های مخرب را کنار بگذاریم و دست دوستی بهم بدهیم - یعنی دعوت طرف مقابل به صلح و آشتی نه اینکه ملی گرایی را بکل فراموش کنیم. برعکس عین ناسیونالیسم است زیرا در صورت جنگ نابودی مرز و کشور حتمی است. ح-ک

ندیده بودم که کسی تا این حد با درک و عقل غریبه باشد، که نفهمد که نه، نطق ناسیونالیستی سبب میهن پرستی است و نه نکردن نطق ناسیونالیستی است.

شهادت دُم امید دانا

امید دانا ابتدا هندوانه های لازم رازیریغل مرد ۲۰ میلیونی (دُم امید دانا) میگذارد از قبیل اینکه شما یک مرد ناسیونالیستی و ایران دوست و ایران خواه هستید و هواداری شما در ۳۸ سال گذشته بعلت این بوده که شاهزاده را نماد ناسیونالیستی ایرانیان میدانستید حال که ایشان میگویند ما وقت نطق ناسیونالیستی نداریم تکلیف ما چیست؟

◀ مرد ۲۰ میلیونی همانند یک بچه ای که اختیار جمع کردن آب دماغش را ندارد، با استفاده از واژه «امید جان» کل و جزء تلقینات امید دانا را بدون یک واو کم و بیاضیاد تائید میکند و ادعا هم میکند که همه افراد خانواده اعلیحضرت و سلطنت طلبان هم از این اظهار ایشان ناراحتند. از کدام اظهار؟ > اظهار اینکه من بعنوان یک شهروند وقت نطق ناسیونالیستی ندارم < و نتیجه گیری «امید جان» به اینکه شاهزاده ضد ناسیونالیست و ضد ملی است را تائید میکند.

◀ گرچه مدعی داشتن ۲۰ میلیون هوادار، صاحب عقل و بار درستی محسوب نمیشود، اما میتوان این پرسش را از او کرد که آیا هرکسی که نطق ناسیونالیستی نکرد و یا فرصت نداشت که نطق ناسیونالیستی بکند ضد ملی و ضد ناسیونالیست است؟ خود او در این قاعده کجا قرار گرفته است؟

◀ امید دانا سعی کرده که از مرد ۲۰ میلیونی نظرواقراری بگیرد که با نماد ناسیونالیستی که فرصت ندارد نطق ناسیونالیستی بکند، تکلیف ما چیست؟ حتما انتظار داشت که مرد ۲۰ میلیونی بگوید خوب یک نماد ناسیونالیستی دیگر برمیگزینم. ولی حافظه درهم و مخلوط مرد ۲۰ میلیونی او را از محور جواب مزبور دورنگهداشت.

تکلیف ما چیست؟

تکلیف ما چیست، موضوع تازه ای نیست که مورد سوال امید دانا قرار گرفته است، خود امید دانا گفته است «عقلمون اجازه حمایت و تائید ایشان را نمیدهد»، در محکمه صحرائی هم ایشان رابه دشمنی با موجودیت ایران محکوم و ۵۲ نفر هم آن رای را تائید کرده اند - همکار امید دانا یعنی بردیا قلابی با تائید شهرام همایون و فرامرز فروزنده، اعلیحضرت راپشه و عروسک نامیده اند و در همین گفتگو باز هم امید دانا اعلیحضرت را ضد ناسیونالیست و غیرملی نامیده، باز هم نمیدانند که تکلیفشان چیست؟ یک اشاره ای در سالهای قبل از سوی شهرام همایون شده است (که شاهزاده را سمش بدیم) باز هم تکلیفی را که خوتان در ماهیت اظهاراتتان نهفته است کافی نمیدانید و پرسش میکنید که تکلیف چیست؟

تکلیف شما انسان شدن است یادتان باشد که <آدم شدن چه آسان و انسان شدن چه مشکل>.

متأسفانه در ناصیه افکار شما خوانده میشود که شاهزاده خودتان را اعدام هم بکنید و یاسمش بدهید دست بردار نیستید.

هنگامیکه به این عمق کینه توزی و دشمنی و انتقام که امواج آن از اظهارات و اقدامات امید دانا و همفکران او کاملاً درک کردنی است توجه شود چیزی شبیه کینه توزی صادق خلخالی متبادر میشود که سی سال بعد از درگذشت رضاشاه بزرگ غدد انتقامی و سادیسمی او آرام نگرفت تا به آرامگاه رضاشاه کبیر حمله کرد.

به حکم انصاف باید گفت خلخالی حتی یکی از این اتهامات و محکمه صحرانی و حکم دشمنی با موجودیت ایران را علیه شاهنشاه و رضاشاه بزرگ نداد که این جرثومه و همفکران کوتوله اش پشت سرهم علیه اعلیحضرت صادر میکنند.

با این تفاوت که این جرثومه ها همه این نامردی هارا زیرلوی ارادت به شاهان پهلوی و از همه مهمتر نیاز به موقعیت نمادی اعلیحضرت انجام میدهند و این همان سیاه نمائی است که امید دانا اولین طراح و استفاده کننده از آن بود.

خود امید دانا گفته است در زندان برای پهلویها حتی به زدو خورد کشیده میشدم. همین صحنه سازی ها و سیاه بازی و سیاه نمائی ها سبب شد که به کمک اعلیحضرت از زندان خلاص و راهی خارجه شود و بعد در فرصتی که اکنون ناظر آن هستم دوران سیاه نمائی را به دشمنی ناب بی سابقه علیه اعلیحضرت به نمایش گذاشت.^۲

چهره میگوید، همه رازنهان را

خوانند محترم این تحریر اگرچه چهره امید دانا در لحظه گفتگوی تلویزیونی نگاه کنید؛ نشاط حاصل از شرارت و موفقیت را در صورت او کاملاً خواهید دید. خواهید دید که رنگ و رخسار او چه آشکارا تقلاهای عقده های سرخورده او را آشکار میسازد و تنها چیزی که جایش خالی بود جیغ و هلله زنانه بود.

اشکال کار کجاست

اشکال کار کجاست؟ اگر یک شهروند ایرانی حتی یک شاهزاده نه تنها وقت نطق ناسیونالیستی نداشته باشد، بلکه اصلاً نه نطق ناسیونالیستی بلد باشد و نه آنرا به دلیل سیاسی لازم بداند و نه بداند که ناسیونالیستی چیست، در این حالت ارتباط آن شخص با دشمنی با موجودیت ایران و ضد ناسیونالیست و ضد ملی بودن کجاست؟ و چرا چنین شخصی میشود پشه و عروسک؟

◀ چرایک شهروندی که عده ای او را «شاه» و عده ای «شاهزاده» و یا «رضاپهلوی» میدانند باید به این اتهام محکوم شود که چون به دلیل سیاسی موقعیت استراتژیکی وقت نطق ناسیونالیستی ندارد پس محکوم به دشمنی با موجودیت ایران، ضد ملی و ضد ناسیونالیستی است؟ خوب مجازات چنین شخصی چیست؟ جز حداقل طرد از جامعه؟ اگر این معیار سادیسمی درست باشد همه ایرانیان از صغیر و کبیر که نطق ناسیونالیستی نمیکند دشمن موجودیت ایران و ضد ملی، شناخته میشوند.

۲ - پست تر از نمک شناسی در دنیا شناخته نیست. وفاداری درایت، عقل و «اعتقاد» راستین میخواد «هرهری» بودن آسان است استواری در «عقیده و اعتقاد» قدرت مقاومت لازم دارد. هرکسی را نمی توان «تو» انگاشتن، در دنیایی چنین سرد و سیاه، با قدم هایش با قدم به راه... هستی را بباد میدهد... ح-ک

◀ امید دانا مدعی است که شاهزاده نماد ملی و امید ایرانیان است، ممکن است او آنرا حسب عادت بر زبان براند ولی معتقد به آن نیست؛ زیرا اعتقاد مانع حرکت معتقد در جهتی است که پروانه عبور از آنرا اعتقاد صادر نکرده باشد. فرضی که در این حالت میتواند وجود داشته باشد که اعتقاد نتواند نقش کار ساز خود را ایفا کند همان بیماری سادیسم است.

◀ فکر نکنید که عقل و فکرامید دانا در حد تشخیص این مسائل نیست خیر، هست زیرا این مسائل از اموری نیست که تتبع و تحقیق را نیاز داشته باشد. ولی انسان وقتی گرفتار سادیسم مردم آزاری و خود بزرگ بینی شد تمام نیروی مادی و معنویش صرف تسکین و رضایت سادیسم میشود و به چیزی که کوچکترین توجهی ندارد حق، انصاف، داوری و فاداری و مردانگی و امثال آنهاست.

بهانه نطق

هدف از نطق، تهیج افکار عمومی برای انجام عملی که پیش روی است و یا بهره برداری از آنچه روی داده است.

نطق ناطق، اگر از قوه به فعل در نیاید یک بلوف و ناطق را بلوف زن و شارلاتان معرفی میکند و اعتبار ناطق بر باد میرود؛ اعلیحضرت که میدانند، بواسطه محظورات سیاسی حق فعالیت های سیاسی در حد براندازی علیه جمهوری اسلامی را ندارند و حق آزادی بیان و اقدامات ایشان فقط محصور و محدود به بیانات حقوق بشری و انتخابات است، چرا نطقی بکنند که اسباب مسخره قرار گیرند. و همین امید دانا اولین کسی باشد که شیشکی بیان داد.

بیاد بیاوریم

نمیدانم یادتان هست یا نه، در سال های نخست مبارزه که اثرات طرح هنری پرشت رسوب اجرائی خود را نشان نداده بود، اعلیحضرت در پاریس در نطقی فرمودند: < امیدوارم براندازی جمهوری اسلامی بیش از ۷۲ ساعت طول نکشد > اما پس از براه افتادن طرح هنری پرشت، هرگز، تکرار میکنم هرگز، چنان عباراتی و حتی نزدیک به آن از اعلیحضرت شنیده نشد.

◀ یادتان هست وقتی اعلیحضرت در مصاحبه بایک رسانه آلمانی فرمودند: < من بعنوان یک پادشاه به ایران بازخواهم گشت > این نطق که خارج از محظورات طرح هنری پرشت بود دیدید که چگونه همین جفتی که امروز همه کاره دبیرخانه اعلیحضرت هستند چه قشقرقی در مقام رفع اثر از آن نطق اعلیحضرت راه انداختند که کار به وکیل کشی هم کشید.

کس ندانست که چه شد عاقبت کار زین همه جیغ فواحش به درخانه یار

حاشیه - همینجا این اشاره بجاست که عمل دبیرخانه اعلیحضرت در دعوی علیه رسانه آلمانی (فوکوس آنلاین) نشانی از این است که مشاورین و افراد دبیرخانه اعلیحضرت ماموران گروگان گیر یعنی آمریکا

هستند که کاملاً مراقبت میکنند که اعلیحضرت از محدوده طرح هنری برشت خارج نشوند (پایان حاشیه).^۴

◀ خوب فرض کنید که اعلیحضرت در این روزها نطق های ناسیو نالیستی علیه اعراب به بهانه حمله اعراب به ایران در ۱۴۰۰ سال قبل ایراد کنند و آتش جنگ را در منطقه همانطور که اعلیحضرت بدرستی اشاره فرمودند «ما در منطقه هیچ وقت جنگ مذهبی نداشته ایم» شعله ورسازند، آیا این به سود «ناسیونالیسم» ایران است؟ و اگر یک ایرانی در این زمینه یعنی ایجاد جنگ، به اعتبار این قبیل اقدامات و نطق های مربوطه فعالیت مشخص کند آیا سزاوار تجلیل است؟ و اگر ایرانی نطق ناسیونالیستی نکند و محرک احساسات ایرانیان علیه اعراب نشود ضد ناسیونالیست و حتی ضد ملی است؟ و شاهنشاه ایران که بارعایت اصول و نزاکت های بین المللی مانع جنگ و کشتار بین ایران و اعراب شد و میتوانستند و قدرت هم داشتند تنها بایک نطق ناسیونالیستی علیه اعراب و پیش کشیدن مسئله قادسیه، خاورمیانه را به آتش بکشند، چون این کار را نکردند پس ضد ناسیونالیستی و ضد ملی بودند؟

آه بر این مردم بی انصاف و عقده ای که همه چیز حتی حقیقت و واقعیت های ملموس را نادیده میگیرند.

◀ رجز خوانی غیرازسیاستمداری است، رجزخوان باید بزند اگر، نزند خورده است، احمدی نژاد یک رجز خوان بود هومر آبرامیان از یاران امید دانا یک ناطق درحد نابود ساختن ایران و خلیج فارس است؛ آیا کافی نیست؟ اگر کافی نیست کسی که جلوی امید دانا را نگرفته خودش این نطق هارا بکند. اصلاً مگر آن مرد ۲۰ میلیونی طرفدار، نطق های ناسیونالیستی کرده و میکند که امید دانا بجای ضد ناسیو نالیستی و ضد ملی شناختن او، او را ناسیونالیست و صفات ایران دوستی و میهن پرستی به او



میدهد؟ (با اب خزینه دوست گرفتن)

رابطه سخن با زمان و مکان

حافظ دریک نیم بیتی گفته «هرسخن زمانی وهرنکته مکانی دارد» یعنی سخن رابطه مستقیم و معناداری با زمان و مکان دارد و اگر این اصل رعایت نشود سخن میشود سخن هجو و نامربوط. تشخیص این رابطه درمسائل سیاسی و حقوق ملی، کار همه کس نیست کارمسئولین و دست اندرکاران درسیاست است؛ مردم عادی مو میبینند و مسئولین کارها، پیچش مو اینکه مولوی گفته است هرکه را بهرکاری ساخته اند –

^۴ - چه بسا این ماموران گماشته بیگانه، همانند حسین فردوست در مقامی هستند که بتوانند بی سرو صدا کار را تمام کنند. همانند یادداشتی که میگویند روی صندلی شاهنشاه آریامهر گذاشته بودند «اگر کسی میتواند این یادداشت را بگذارد آنقدر به شما نزدیک است که قادر به انجام هرکاری هست»... ح-ک

میل آن کار را دردلش انداخته اند، به همین مقصود است ضرب المثل کنار گود ایستاده میگوید لنگش کن، بیان کننده همین حالت است.

◀ این درست نیست که از همه مردم توقعات سیاسی و حضور فعال در مبارزات سیاسی را داشت هرکس به فراخور امکانات و یا تخصصش در بخشی از مبارزه کار میکند همانند جنگ که هرکس در قسمتی از جبهه عمل میکند و در قسمت های دیگر جنگ دخالتی ندارد؛ نمیشود ایراد گرفت که چرا کسانی در خط مقدم جنگ و یا مبارزه سیاسی قرار ندارند یا ایراد گرفت که چرا اصلا مبارزه سیاسی نمیکنند. مبارزه سیاسی باید چنان باشد که مردم را جذب کند نه اینکه مردم را به میدان مبارزه هل داد.

◀ الویت در مسائل، بطور کلی سبب جذب انرژی و توجه و فعالیت اشخاص میشود در همین روزها اعلیحضرت مصاحبه ای با تلویزیون «من و تو» داشتند که مسئله آزادی زندانیان سیاسی مخرج مشترک بیاناتشان بود در همین زمان برای کسانی تصمیم کنگره آمریکا به اجازه طرح دعوی علیه عربستان و یا فعالیت های تجزیه طلبان از الویت خاصی برخوردار است. در مبارزات سیاسی بدون تشکیلات و رهبری، برنامه مبارزه و هدفهای مقدماتی امری انتخابی از سوی مبارزان است.

تنوع اهداف ایرانیان

نه تنها علت و کم و کیف مبارزه اشخاص مختلف و متنوع است که خروج آنها هم از جهنم جمهوری اسلامی با هدف های متفاوت است.

یک گدائی کنار در بانکی در محله ما در کانادا مقیم همیشگی است که متاسفانه ایرانی است یک روز به او گفتم شما از ایران آمده اید که اینجا گدائی کنید، گفت نه من گدانیستم من درویشم و درویش هرکجا که رود خانه اوست!

در محاکمه دادگاهی که بنده هم بعنوان ناظر حضور داشتم مردی بعلت برداشتن جنسی از یک فروشگاه کانادائی محاکمه میشد، قاضی پرسید شما اتهام سرقت را قبول دارید؛ متهم گفت من سرقتی نکردم مالی از فروشگاههای که متعلق به کفار بود برداشتم و به آن نیاز داشتم و این عمل در دین ما جرم و گناه نیست.

کسی از ایران بهرحمتی که هست بیرون میآید که گدائی و یا دزدی و کلاهبرداری کند و یا خودش را یک آدمی معرفی کند که ۲۰ میلیون هوادار دارد. یکی هم باهمت دیگران و ظاهر سازی هائی که کسی نمیداند چه بوده که بخارجه آمده محدودیتی در گی بازی [همجنس بازی] نداشته باشد. کسانی هم خارجه را برای هنرنمایی خود مساعد ترمیبینند، یکی هم دکائی باز کرده و از احساسات مردم برای فروش جنس استفاده میکند، ممکن است یک کسی هم باشد که گفته و نوشته است:

من از مردن نمیترسم که رسم قادر است لیک میترسم که شام نرسد بر مقصود

هیچکام از آنها اگر نطق ناسیونالیستی نمیکنند و نکرده اند ضد ناسیونالیست و ضد ملی و یا دشمن موجودیت ایران نیستند. این گونه برداشت ها ناشی از بیماری سادیسم و خود بزرگ بینی و آزارگری دیگران است؛ که در همه افراد بشر بصورت کم و یازیاد وجود دارد و در مواقع خاصی از قوه به فعل در میآید

رجزخوانی های امید دانا به فرصت دیگر